

پژوهشی تازه درباره تفسیر برادر شیخ حرعاملی

۱۹۷-۲۱۸

چکیده: هدف این نوشتار کشف دقیق هویت صاحب کتابی است که با عنوان «التفسیر الوجیز» به چاپ رسیده است. نویسنده مقاله، با ارائه مدرکی تازه نشان می دهد که این اثر، نوشته برادر شیخ حرعاملی است و ارتباطی به شخص صاحب وسائل ندارد. در کنار ارائه این مدرک که تاکنون از محققان محترمی که در نفی یا اثبات انتساب این اثر به شیخ حرعاملی می کوشند پوشیده مانده بود، نسخه خطی دیگری از اثری تفسیری از شیخ احمد عاملی نیز معرفی و بررسی شده که نویسنده مقاله بر این باور است که بر اساس دلایلی، آن نسخه بخش دیگری از همان تفسیر وجیز است. همچنین در این نوشتار به بررسی دقیق محتوای تفسیر مورد نظر نیز پرداخته شده و به یاری شواهد درون متنی روشن شده است که هرگز صاحب وسائل نمی تواند نویسنده این اثر باشد و کتاب مورد نظر، بدون تردید اثر برادر ایشان است.

واژگان کلیدی: قرآن - احادیث - حرعاملی - تفسیر - تفسیر وجیز - عیون المعانی

A New Research on the Commentary of
Sheikh Ḥurr ‘Āmilī’s Brother
Mohammad Mehdi Salmanpour

Abstract: The purpose of this article is to find out the exact identity of the author of the book that has been published under the title “Al-Tafsir Al-Wajīz”. The author of the article, by presenting new evidence, shows that this work was written by Sheikh Ḥurr ‘Āmilī’s brother and has nothing to do with the author of the book Vasāil. In addition to presenting this evidence, which has so far been hidden from respected scholars who try to deny or prove the attribution of this work to Sheikh Hurr ‘Āmilī, another manuscript of a commentary by Sheikh Ahmad ‘Āmilī has been introduced and reviewed, which the author believes for some reasons, that version is another part of the same commentary. This article also examines the content of the commentary in detail and clarifies with the help of evidence within the text that the author of Vasāil can never be the author of this work and the book in question, Is undoubtedly the work of his brother.

Keywords: Quran - Hadiths - Ḥurr ‘Āmilī - Tafsir - Tafsir Wajīz – ‘Uyūn al-Ma‘ānī

بَحْثٌ جَدِيدٌ عَنِ تَفْسِيرِ شَقِيقِ الشَّيْخِ الْحُرِّ الْعَامِلِيِّ

مُحَمَّدٌ مَهْدِي سَلْمَانُ پُور

الخلاصة: الهدف من هذا المقال هو التشخيص الدقيق لهويّة صاحب أحد الكتب الذي صدر حديثاً بعنوان (التفسير الوجيز). يشير كاتب المقال من خلال تقديمه لأحد الأدلّة إلى أنّ هذا الكتاب هو من تأليف أخى الشيخ الحرّ العاملي، ولا علاقة له بصاحب الوسائل نفسه.

وإلى جانب ما يتضمّنه المقال من الدليل الذي ظلّ خافياً حتّى الآن عن أنظار المحقّقين المحترمين الذين سعوا إلى نفي أو إثبات انتساب هذا الكتاب إلى الشيخ الحرّ العاملي، يشير الكاتب أيضاً إلى نسخة خطيّة أخرى من أحد التآليف التفسيرية للشيخ أحمد العاملي ومن خلال البحث فيها يستند إلى بعض الأدلّة معتقداً أنّ هذه النسخة إنّما هي قسم آخر من نفس ذلك التفسير الوجيز.

كما يقدم الكاتب في مقاله هذا بحثاً دقيقاً عن مضامين هذا التفسير، ويصل من خلال ذلك كلّهُ إلى أنّه يتّضح من الأدلّة التي يتضمّنها نصّ هذا الكتاب استحالة أن يكون صاحب الوسائل هو المؤلّف لهذا الكتاب، وأنّ الكتاب المقصود هو بلا شكّ من تأليف أخيه.

المفردات الأساسيّة: القرآن، الأحاديث، الحرّ العاملي، التفسير، التفسير الوجيز، عيون المعاني.

درآمد

التفسیر الوجیز عنوانی است که بر کتاب تفسیر شیخ احمد حر عاملی برادر صاحب وسائل نهاده شده و چند سال قبل تحت اشراف استاد محمد علی مهدوی راد و اساتیدی دیگر، توسط کتابخانه تخصصی تفسیر و علوم قرآنی ضمن مجموعه ارزشمند تراث الشیعة القرآنی در قم به چاپ رسیده است. سه سال قبل از چاپ حروفی این اثر، آیت الله شیخ رضا استادی در مقاله‌ای مختصر به بررسی تنها نسخه خطی این کتاب در آن زمان پرداخته و با ذکر قرائنی انتساب اثر را به شیخ احمد نشان داد. استاد محترم چند دهه پیش از این، آن‌گاه که فهرست هزاروپنجاه نسخه کتابخانه مدرسه مروی تهران را تدوین می‌کرد، این نسخه را به دلیل تصحیف واقع شده در ابتدای آن و نگارش نادرست محمد به جای احمد به اشتباه به صاحب وسائل نسبت داده بود.^۱ این اشتباه متأسفانه بعدها به برخی از فهرستواره‌ها نیز راه یافت و این گمان را برای بعضی به وجود آورد که شیخ حر عاملی چنین کتابی داشته است.^۲

باری، مقاله کوتاه استاد محترم که البته از برخی ملاحظات نیز خالی نیست، در سال‌های اخیر مورد توجه منتقدانی نیز واقع شده که در اثبات انتساب تفسیر مورد نظر به صاحب وسائل کوشش می‌کنند. راقم این سطور، نوشتار پیش‌رو را که حاوی مدارک و مستندات است که برای نخستین بار واکاوی می‌شوند، در اثبات درستی انتساب تفسیر مورد اشاره به برادر شیخ حر عاملی نگاشته و آن را در دو بخش و یک خاتمه سامان داده است:

در بخش اول پس از معرفی کوتاهی از شیخ احمد عاملی، نگارنده مدرکی را ارائه کرده است که در بردارنده تصریح خود شیخ احمد به نگارش تفسیر مورد نظر است. سپس نسخه‌ای را معرفی و بررسی می‌کند که به نظر نویسنده بخش دیگری از همان کتاب تفسیر است و از قضا نام واقعی اثر نیز بر آن وجود دارد.

در بخش دوم صاحب این قلم به تفصیل به بررسی تفاوت‌های آشکار مبنایی بین تفسیر مورد بحث و آرای شیخ حر عاملی پرداخته و روش و محتوای کتاب التفسیر الوجیز و ناسازگاری آن را با باورها و روش‌های علمی شیخ حر تبیین می‌کند. به اندکی از این مطالب در مقاله جناب استادی نیز تنها اشاره‌ای شده است.

در خاتمه نوشتار نیز دو ادعای منتقدان نقد و بررسی شده است.

۱. آینه پژوهش؛ مهر و آبان ۱۳۸۹، شماره ۱۲۴، ص ۱۶-۲۰.

۲. استادی، فهرست نسخه‌های خطی کتابخانه مدرسه مروی تهران، ص ۹۰.

۳. درایتی، فهرستواره دست‌نوشته‌های ایران، ج ۳، ص ۱۶۹.

بخش اول: شیخ احمد عاملی و کتاب تفسیر او

۱. معرفی کوتاهی از احمد عاملی

شیخ احمد بن حسن حرعاملی برادر تنی^۴ و کوچک تر شیخ محمد بن حسن حرعاملی صاحب وسائل الشیعة است. صاحب وسائل در امل الامل معرفی بسیار کوتاهی از او ارائه داده و نامبرده را «فاضلی نیکوکار و آشنا به تواریخ» دانسته و چند کتاب او را نام برده است، از جمله تفسیر قرآن، تاریخ کبیر و صغیر و حاشیه مختصر النافع.^۵

آقابزرگ طهرانی ولادت او را در سال ۱۰۴۱ و استاد سید احمد حسینی اشکوری در سال ۱۰۳۴ دانسته اند که هر دو مورد اشتباه است.^۶ او متولد اوایل سال ۱۰۳۶ قمری بوده است. مطابق نسخه ای از کتاب الدر المسلوک که به خط خود شیخ احمد است، نگارش آن نسخه در پنجاه و نهمین سال زندگی او و سال ۱۰۹۴ هجری بوده است. همچنین در نسخه دیگری از الدر المسلوک که محدث قمی در اختیار داشت، نویسنده شخصاً بیان کرده که دو سال و نه ماه از شیخ حرعاملی کوچک تر است^۷ و می دانیم که شیخ حر متولد هشتم رجب سال ۱۰۳۳ است. همچنین در نسخه خطی کتاب روض الناظرین نیز که به خط خود شیخ احمد است، نویسنده نگارش کتاب را در سال ۱۰۸۶ و آغاز پنجاه سالگی خود می داند. همه اینها نشان می دهد که به طور قطع او در اوایل سال ۱۰۳۶ متولد شده است.^۸

در سال ۱۰۷۸ پنج سال پس از هجرت صاحب وسائل به مشهد الرضا، شیخ احمد نیز پس از وقوع درگیری هایی در جبل عامل، املاک خود را در آن منطقه رها کرد و رهسپار مشهد شد.^۹ او پس از رحلت صاحب وسائل به مقام شیخ الاسلامی در خراسان رسید و در سال ۱۱۱۵ نیز شاه سلطان حسین صفوی او را به اصفهان دعوت کرد.^{۱۰}

در نسخه خطی کتاب الدر المسلوک کتابخانه آستان قدس دستخطی از ایشان وجود دارد که از ولادت نوه پسری خود در سال ۱۱۲۰ سخن گفته است. ظاهراً این آخرین نشانی است که از حیات شیخ احمد حرعاملی در دسترس است.

کتاب تفسیر ایشان موضوع این نوشتار است. نیک می دانیم که شیخ حر اثری در تفسیر قرآن پدید

۴. صدر، تکملة امل الأمل، ص ۹۴.

۵. حر عاملی، امل الأمل، ج ۱، ص ۳۱.

۶. طهرانی، الذریعة، ج ۸، ص ۷۱؛ حسینی، تراجم الرجال، ج ۱، ص ۶۵؛ صدر، تکملة أمل الأمل، پاورقی ص ۹۵.

۷. الفوائد الرضویة، ج ۲، ص ۷۵۶.

۸. اشتباه سخن صاحب الذریعة در این است که عدد پنجاه و نه را پنجاه و سه ثبت کرده است. ارتکاب همین اشتباه توسط سید محسن امین (اعیان الشیعة، ج ۲، ص ۴۹۴) و استاد اشکوری نشان می دهد که نسخه نزد آنان احتمالاً دچار اشکالی بوده است. همچنین استاد اشکوری به اشتباه تألیف الدر المسلوک را در سال ۱۰۸۶ دانسته، حال آنکه این تاریخ مربوط به نگارش روض الناظرین است.

۹. عاملی، الدر المسلوک، ج ۲، ص ۳۳۸.

۱۰. طهرانی، الذریعة، ج ۴، ص ۲۵۹ - ۲۶۰.

نیاورده است. شیخ حر در امل الامل به تفصیل به زندگی و آثار خود پرداخته و نیز مطالبی خلاصه را در این باره در فایده دوازدهم وسائل الشیعة بیان کرده است،^{۱۱} اما در هیچ کدام از دو مورد اشاره‌ای به کتاب تفسیر برای خود ندارد. با آنکه شیخ حر ملتزم بود که حتی به برخی از آثار ناتمام خود نیز اشاره کند؛ چنان‌که در اواخر شعبان سال ۱۱۰۰ که برای محمد تقی بن محمد صادق موسوی اجازه‌ای نوشت،^{۱۲} ضمن آثار خود به کتاب العربية العلویة اشاره کرده و آن را ناتمام دانسته است. نیز در همان اجازه، از کتاب تحریر وسائل الشیعة و انتشار تنها قسمت اندکی از آن سخن گفته است.^{۱۳}

همچنین شیخ حر در اجازات خود نیز نامی از این اثر تفسیری و مفصل^{۱۴} نیاورده است. با آنکه به بسیاری از آثار کوچک خود نیز گاه و بیگاه اشاره کرده و در برخی از اجازات نام بعضی از آثار را آورده و در بعضی دیگر به آثار دیگری اشاره دارد.^{۱۵}

اکنون مستندات را ارائه خواهیم کرد که از هویت نویسنده حقیقی تفسیر وجیز پرده برمی‌دارد.

۲. تصریح شیخ احمد عاملی به نگارش تفسیر

کتاب الدر المسلموک فی أخبار الأنبياء والأوصیاء والخلفاء والملوک از آثار مهم شیخ احمد عاملی است. چنان‌که ذکر شد، شیخ احمد دو کتاب کوچک و بزرگ در تاریخ داشت. آقابزرگ طهرانی احتمال داده که الدر المسلموک یکی از آن دو کتاب (تاریخ بزرگ‌تر) بوده و تاریخ کوچک‌تر، همان کتاب روض الناظرین شیخ احمد است.^{۱۶} هر چند به نظر می‌آید این احتمال نادرست باشد.^{۱۷}

۱۱. حر عاملی، أمل الامل، ج ۱، ص ۱۴۱-۱۵۴؛ وسائل الشیعة، ج ۳، ص ۴۶۸-۴۶۹.
۱۲. تصویر این اجازه و دستخط شیخ حر عاملی را مرحوم شانه چی در کتاب علم الحدیث ص ۲۸۱-۲۸۳ آورده است. (به نقل از پایان نسخه وسائل الشیعة کتابخانه مدرسه نواب مشهد)
۱۳. در سال ۱۰۹۶ که شیخ حر امل الامل را می‌نوشت، گفته که اگر خداوند مهلت بدهد در پی نگارش کتاب تحریر وسائل الشیعة است. (حر عاملی، أمل الامل، ج ۱، ص ۱۴۵) در ابتدای نسخه خطی این اثر به شماره ۱۰۱۰۷ در کتابخانه آستان قدس که به خط خود مؤلف است آمده که تألیف آن در روز غدیر سال ۱۰۹۸ آغاز شده است. مطابق اجازه مذکور، دو سال بعد تنها قسمت اندکی از این اثر نوشته شده بود که همان قسمت اندک نیز به چاپ رسیده است. شیخ در سال ۱۱۰۴ از دنیا رفت و فرصت تکمیل این اثر ارزشمند را نیافت.
۱۴. همین مقدار چاپ شده از تفسیر حدود پانصد صفحه است، آن هم در حالی که فقط حدود یک چهارم ابتدای قرآن است و از همان مقدار نیز آیات بسیاری (۲۶ آیه از سوره بقره و ۸۵ آیه از سوره مائده) افتاده است. با این اوصاف نسخه کامل این تفسیر حداقل سه تا چهار برابر مقدار فعلی باید باشد.
۱۵. رک به: اجازه شیخ حر به محمد فاضل مشهدی (مجلسی، بحار الانوار، ج ۱۰۷، ص ۱۰۷-۱۲۱) یا اجازه به محمد صالح رضوی (نسخه خطی مجموعه شماره ۶۸۳۶ دانشگاه تهران، برگ ۵۵-۵۹)
۱۶. این مطلب متأسفانه در نسخه چاپی الذریعة وجود ندارد و از دست نوشته ایشان، مانند موارد بی‌شمار دیگر حذف شده و مورد تحریف قرار گرفته است. برای مشاهده اصل مطلب بنگرید به: دست‌نویس جلد دوم الذریعة به شماره ۱۵۷۹۷ در کتابخانه مجلس، ص ۱۵۹.
۱۷. حجم روض الناظرین آشکارا بیشتر از الدر المسلموک است. بنابراین بعید است که اولی تاریخ کوچک‌تر باشد. گفتنی است که پسر آقابزرگ طهرانی در فهرست نسخه‌های خطی دانشگاه تهران ادعا کرده که شیخ احمد عاملی روض الناظرین را اندک اندک گسترش داد و آن را الدر المسلموک نامید. (منزوی، فهرست کتابخانه اهدایی سید محمد مشکوة به دانشگاه تهران، ج ۲، ص ۵۷)

مضمون این عبارت در ابتدای معرفی روض الناظرین در الذریعة (ج ۱۱، ص ۲۷۷) نیز آمده است، اما با مراجعه به دست‌نویس

شیخ احمد عاملی کتاب را در سال ۱۰۹۰ قمری تألیف کرد. در فقرات پایانی رکن هفتم این کتاب به این تاریخ تصریح شده است.^{۱۸} تاریخ قدیمی ترین نسخه باقی مانده از این اثر نیز ۱۶ ربیع الاول سال ۱۰۹۱ است.

پس از آن، خود نویسنده در این کتاب تغییراتی داد که تفاوت های چشمگیر نسخه های مختلف حاصل آن است. برخی از نسخه های کتاب شامل چهار رکن هستند و برخی دیگر پنج، شش و هشت رکن دارند. در یکی از نسخه هایی که به خط خود شیخ احمد است، نقل کتاب از «مسوده به بیاض» در سال ۱۰۹۴ دانسته شده است.^{۱۹}

حتی ابراهیم بن سلیمان موسوی از شاگردان شیخ احمد نیز که یکی از نسخ الدر المسلوک را در زمان حیات نویسنده نگاشته، از انجام اصلاحاتی با اجازه و راهنمایی مؤلف خبر داده است.^{۲۰}

جالب است که تغییرات مورد نظر شیخ احمد تا سال ها پس از نگارش کتاب نیز ادامه یافته است. از جمله در نسخه ای که در اختیار محدث قمی بوده، مطالبی مربوط به وفات و دفن شیخ حرعاملی آمده^{۲۱} و سید محسن امین نیز داستان کشته شدن ابراهیم رضوی مشهدی (متولی آستان قدس رضوی) را در ماه رجب سال ۱۱۰۰ از الدر المسلوک نقل می کند.^{۲۲}

باری، نسخه شماره ۵۴۵ کتابخانه مجلس از نسخه های پراهمیت این کتاب است. ویژگی قابل توجه این نسخه وجود دیباچه ای دوازده صفحه ای در ابتدای نسخه است که حاوی توضیحاتی ارزشمند است. در ابتدای این دیباچه که سوگمنده در چاپ حروفی کتاب از آن استفاده ای نشده، نویسنده به ارائه شرحی از فعالیت های علمی خود می پردازد و از جمله به تفسیر و جیز نیز اشاره می کند. عین سخنان ایشان و تصویر صفحه مورد نظر در اینجا ارائه خواهد شد.

شیخ احمد در این دیباچه شرح می دهد که پس از مطالعه کتب احادیث و تفاسیر و تاریخ در مدتی طولانی، کتاب روض الناظرین را به شیوه محدثان نگاشت. سپس می نویسد:

ثُمَّ بَعْدَ ذَلِكَ مَنَّ اللَّهُ عَلَيَّ بِقِرَانِ عَلِيِّ الْقَطْعِ الْكَبِيرِ [أَشْرَفُهَا وَ] فَكُنْتُ عَلَى حِوَاشِيهِ أَحْسَنَ الْمَعَانِي

آقای بزرگ روشن می شود که این مطلب نیز از ایشان نبوده و از اضافات فرزندشان است. (بنگرید به: دست نویس جلد سوم الذریعة، به شماره ۱۵۷۹۸ در کتابخانه مجلس، ص ۴۶۶)

۱۸. بنگرید به: نسخه خطی کتابخانه مجلس به شماره ۵۴۵، ص ۱۹۷ و نسخه خطی کتابخانه دانشگاه تهران به شماره ۶۲۶۱، فریم شماره ۱۷۰.

۱۹. بنگرید به: دو نسخه کتابخانه ملک تهران به شماره ۶۳۲ و ۶۶۴ که دو جزء کتاب و هر دو به خط مؤلف هستند.

۲۰. بنگرید به: برگ آخر نسخه خطی مجموعه اهدایی سید محمد مشکوة در کتابخانه دانشگاه تهران به شماره ۱۷۹.

۲۱. قمی، الفوائد الرضوية، ج ۲، ص ۷۵۶.

۲۲. امین، اعیان الشیعة، ج ۲، ص ۲۰۵.

۲۳. ظاهراً دو کلمه مورد نظر که مربوط به خط بعد هستند، سهواً توسط کاتب هنگام رونویسی در این خط نیز نوشته شده اند.

من التفسیر أخذت من الروایات أشرفها وأعلاها و من الأقوال أنبها وأجلاها فتم بحمد الله المطلوب بتفسیر وجیز للکتاب العزیز.

سپس نویسنده گفته است که پس از آن، کتاب الدر المسلوک را نوشته است. (به پیوست شماره یک مراجعه شود.)

از این عبارات به روشنی چند مطلب به دست می آید:

نخست آنکه این سخنان عیناً همان مطالب مقدمه تفسیر وجیز است؛ چنان که در آنجا نیز چنین گفته شده است:

أخذت من الأقوال أنبها وأجلاها و من الروایات أشرفها وأعلاها ... لیتم المطلوب بتفسیر وجیز لکتاب الله العزیز.^{۲۴}

دوم آنکه در مقدمه تفسیر وجیز نیز نویسنده درباره نگارش تفسیر بر حاشیه قرآنش چنین گفته است: کتبت أكثرها علی حواشی قرآنی فی مدة من زمانی والآن شرعت فی نقلها من المسودة إلی هذا الکتاب.^{۲۵}

این عبارات نیز دقیقاً با عبارات دیباچه الدر المسلوک مطابقت دارد. همچنین چنان که در دیباچه آمده، نویسنده «بهترین معانی» را در حاشیه قرآن نوشته بود و در مقدمه تفسیر نیز انگیزه نویسنده جمع آوری معانی قرآن بوده است که به این مطلب در ادامه خواهیم پرداخت.

سوم آنکه از تصریحات دیباچه می توان تاریخ نسبی نگارش اصل تفسیر را به دست آورد. ملاحظه شد که تفسیر پس از کتاب روض الناظرین و پیش از الدر المسلوک نگاشته شده است. چنان که گفته شد، تاریخ نگارش الدر المسلوک در سال ۱۰۹۰ است و تألیف روض الناظرین نیز به تصریح نسخه خطی مؤلف در شعبان سال ۱۰۸۶ به پایان رسیده است.^{۲۶} بنابراین اصل تفسیر در بازه زمانی سال های ۱۰۸۶ تا ۱۰۹۰ نوشته شده و پس از آن پاکنویس شده است.

با وجود این تصریح روشن تردیدی باقی نمی ماند که تفسیر وجیز اثر شیخ احمد عاملی است و ارتباطی با شیخ حر عاملی ندارد.

۳. نسخه ای مفغول از تفسیر شیخ احمد عاملی

در کتابخانه مجلس نسخه ای با شماره ۱۰۵۶۳ وجود دارد. بخش اول آن، کتاب عیون المعانی فی

۲۴. عاملی، التفسیر الوجیز ص ۱۲.

۲۵. عاملی، همان.

۲۶. بنگرید به: پایان نسخه کتابخانه مجلس به شماره ۹۶۲۵ که به خط مؤلف است.

تفسیر الوحي الرباني اثر احمد بن الحسن الحر العاملي است و بخش عمده مجموعه را نیز کتاب اللعنة دمشقية شهيد اول تشکیل می دهد. متأسفانه توضیحات فهرست نگار محترم درباره این مجموعه از خطا و کاستی در امان نمانده است. از جمله اینکه ایشان دریافته اند که کتاب عیون المعانی در این مجموعه به خط خود شیخ احمد عاملی نگاشته شده است.^{۲۷}

تفسیر موجود در این نسخه ۴۵ صفحه است و تفاسیر سوره های «یس»، «ص» و بخشی از «صافات» را شامل می شود. در ابتدای کتاب آمده که این اثر «ربع رابع» (چهارمین و آخرین بخش) از کتاب عیون المعانی فی تفسیر الوحي الرباني است. (به پیوست شماره دو مراجعه شود). با توجه به اینکه ربع آخر قرآن را می توان به تقریب از سوره یس آغاز کرد، روشن می شود که این تفسیر تا پایان قرآن بوده، اما متأسفانه نسخه مورد بحث از میانه سوره صافات ناقص بوده و به ما نرسیده است.^{۲۸}

باری، شواهد متعددی وجود دارد که با دقت در آن روشن می شود که تفسیر عیون المعانی همان تفسیر وجیز است:

اول آنکه شیخ احمد حر عاملی دو کتاب تفسیر نداشت، بلکه تنها یک اثر تفسیری از او وجود داشته است. شاهد این امر تنها تصریح دیباچه ای که گذشت نیست، بلکه برادرش شیخ حر عاملی نیز هنگامی که در سال ۱۰۹۶ شرحی از شیخ احمد به دست داده است، تنها به یک کتاب تفسیر اشاره می کند، حال آنکه درباره تألیفات تاریخی او از دو عنوان کتاب نام می برد.^{۲۹} همچنین قابل توجه است که شیخ حر شخصاً این نسخه را دیده بوده است؛ چراکه در حاشیه برگ ۳۹ این نسخه دستخط شیخ حر عاملی نیز وجود دارد که ماده تاریخی برای ولادت یکی از فرزندان شیخ احمد سروده است.

در اینجا لازم است یادآوری شود که ما با دو عنوان متعدد درباره تفسیر شیخ احمد عاملی روبرو نیستیم، بلکه تنها از همین یک عنوان (عیون المعانی) باخبریم. عنوان التفسیر الوجیز نامی نیست که نویسنده آن کتاب برای اثرش انتخاب کرده باشد، بلکه به دلیل اینکه نام خاصی در نسخه ناقص چاپ شده از این کتاب وجود نداشت، با توجه به سخن نویسنده در مقدمه کتاب که لقب «وجیز» را برای اثر خود به کار برده است، محقق محترم این نام را به کتاب چاپ شده داده است.

۲۷. طیار مراغی، فهرست نسخه های خطی کتابخانه مجلس شورای اسلامی، ج ۳۳/۱، ص ۱۰۳؛ کافی بود ایشان به یادداشت های متعدد شیخ احمد در همین مجموعه دقت می کردند یا نگاهی به نسخه روض الناظرین در همین کتابخانه مجلس یا نسخه الدر المسلوک در کتابخانه ملک می داشتند که هر دو به خط شیخ احمد است. غیر از توجه نکردن به خط شیخ احمد، فهرست نگار محترم کتاب لمعه این مجموعه را بدون کاتب قلمداد کرده اند، در حالی که با مراجعه به سه صفحه قبل از آغاز آن متوجه می شدند که کاتب لمعه و برخی از بخش های دیگر نسخه، حسن بن نورالدین حسینی استرآبادی است. چند خط خوانش ایشان از آغاز و انجام تفسیر و لمعه در این نسخه نیز غلط های فاحش دارد.

۲۸. عجیب است که سوره «ص» در این تفسیر پیش از سوره صافات قرار گرفته است، حال آنکه در ترتیب سوره های قرآن پس از آن قرار دارد.

۲۹. شیخ حر چنان که در شرح حال نعمت الله عاملی آورده، تألیف اثرش را در سال ۱۰۹۶ آغاز کرده و چنان که در آخر بخش دوم کتاب گفته، آن را در جمادی الثانیة سال ۱۰۹۷ به پایان برده است. (حر عاملی، أمل الأمل، ج ۱، ص ۱۸۹ و ج ۲، ص ۳۷۲)

دوم آنکه فرم و شکل ظاهری هر دو تفسیر دقیقاً یکسان است. نویسنده در هر دو مورد، آیات را به بخش‌های کوچکی تقسیم می‌کند. گاه برخی از این بخش‌ها تنها یک کلمه است و سپس نویسنده به بیان معنی آن پرداخته است. این شکل در هر دو تفسیر عیناً به چشم می‌خورد.

سوم آنکه از لحاظ منبع شناختی نیز هر دو تفسیر یکسان هستند. در ادامه مباحث توضیح خواهیم داد که عمده مطالب نویسنده تفسیر وجیز، رونویسی از دو تفسیر مجمع البیان و بیضاوی است. در تفسیر عیون المعانی نیز دقیقاً شاهد همین امر هستیم و در جای جای این نسخه ناقص و مختصر از این دو تفسیر مطلب نقل شده است. اگرچه باز هم مانند تفسیر وجیز نویسنده به آن منابع ارجاعی نمی‌دهد و تنها سخنانشان را به نام خود آورده است.

چهارم آنکه از دو جای مقدمه تفسیر وجیز برمی‌آید که انگیزه نویسنده آن، دقیقاً پرداختن به بحث «معانی قرآن» بوده است. یکی آنجا که سخن از اشتیاق خود به «جمع معانی قرآن از تفاسیر» می‌گوید و دیگری آنجا که به صرف همت خود به «معانی موافق تنزیل» اشاره دارد.^{۳۰}

این امر دقیقاً با عنوان نسخه مورد بحث ما (عیون المعانی فی تفسیر الوحی الربانی) مطابقت دارد.

پنجم آنکه محتوا و سبک تفسیری عیون المعانی دقیقاً مانند تفسیر وجیز است. توضیحات بیشتر در این رابطه در ادامه مباحث و بیان تفاوت رویکرد شیخ حر عاملی و نویسنده تفسیر وجیز ارائه خواهد شد.

ششم آنکه حتی در برخی از جزئیات ظاهری نیز دو تفسیر مانند یکدیگر هستند. برای مثال در تفسیر وجیز، آیات زنجیروار به دنبال هم آمده‌اند و تفکیک عبارات قرآنی و تفسیر نویسنده با توجه به اعراب آیات قرآنی امکان‌پذیر است. در عیون المعانی نیز دقیقاً همین شیوه به کار گرفته شده و مطالب به همان شکل کاملاً به دنبال هم می‌آیند و آیات اعراب‌گذاری شده‌اند.

به نظر می‌رسد مطالب پیش‌گفته نشان می‌دهد که نام واقعی تفسیر وجیز، «عیون المعانی» است و نویسنده آن نیز شیخ احمد حر عاملی است.

اکنون سخن را در این باره به پایان می‌بریم و به بخش دوم این نوشتار می‌پردازیم.

بخش دوم: روش و محتوای تفسیر وجیز و مقایسه آن با دیدگاه‌های صاحب وسائل

۱. نگاهی به مقدمه کتاب

صاحب تفسیر در مقدمه کوتاهی که بر کتابش نوشته، مطالبی بیان کرده که نه تنها با مبانی علمی

شیخ حر عاملی ناسازگار است که در یکی از آثار شیخ به تفصیل نقد و با دقت بررسی شده است.

در مقدمه کتاب، نویسنده به دنبال ذکر دو روایت شیعی و عامی درباره عدم جواز تفسیر به رأی، با ذکر دو آیه از قرآن درباره استنباط و تدبر، به نقد مضمون آن روایات پرداخته و ظاهر آنها را متروک قلمداد کرده است. سپس بحث عرضه روایات به قرآن را مطرح می‌کند.^{۳۱}

یکی از معاصران شیخ حر که متأسفانه از نام و نشان او بی اطلاع هستیم، در یکی از آثار خود که درباره جواز عمل به ظواهر قرآنی بدون ورود تفسیر آن از معصومین نوشته بود، به تفصیل همین مطالب مقدمه تفسیر و حیز را مطرح کرده و همان آیات و روایات را در کنار مطالب فراوان دیگری آورده است. شیخ حر عاملی فایده چهل و هشتم کتاب ارزشمند الفوائد الطوسیه را به رد آن فرد معاصر اختصاص داده، ابتدا مطالب او را به دقت تقریر کرده و سپس در حجمی بیش از پنج برابر مطالب او به نقد آنها پرداخته است. چنان که در مقدمه نوشتار خود نیز بیان کرده که انگیزه اش از نقل و پاسخ به آن مطالب، مخالفت آنها با نصوص متواتر بوده است.^{۳۲}

بنابراین به هیچ روی نمی‌توان چنان مطالبی را که در مقدمه تفسیر آمده است، نظرات شیخ حر برشمرد.

ناگفته نماند که نویسنده تفسیر، به استثنای چند جمله، باقی مطالب مورد اشاره را در مقدمه کتاب عیناً از مقدمه تفسیر مجمع البیان طبرسی برداشته است، هر چند هیچ اشاره‌ای به آن ندارد.

۲. شیوه تفسیری شیخ حر عاملی

شیخ حر محدثی اخباری و متعبد به نصوص و معتقد به تفسیر نص محور بود و چنین باور داشت که شرط جواز عمل به قرآن، ورود نص از امامان در تفسیر آن است.^{۳۳} او همچنین استنباط از آیات قرآن را متوقف بر رجوع به پیامبر و امامان می‌دانسته^{۳۴} و گفته است که در کتاب القضاء وسائل الشیعة روایاتی را فوق حد تواتر در این باره آورده و در جایی دیگر نیز بیش از دو بیست و بیست حدیث را جمع‌آوری کرده است.^{۳۵}

ایشان رجوع به عترت را در تفسیر، تأویل و استنباط از قرآن و استدلال به آن ضروری می‌شمرد^{۳۶} و پس

۳۱. همان، ص ۱۴. لازم است یادآوری شود که شیخ حر در کتاب الايقاظ من الهجعة به دقت و روشنی نظر خود را درباره اخبار عرضه روایات به قرآن و مقصود از آنها بیان کرده است. نظری که با مطالب مقدمه تفسیر و حیز نیز کاملاً متفاوت است. (بنگرید

به: حر عاملی، الايقاظ من الهجعة، ص ۵۲)

۳۲. حر عاملی، الفوائد الطوسیه، ص ۱۶۳-۱۹۵.

۳۳. همان، ص ۱۶۹.

۳۴. همان، ص ۱۷۳.

۳۵. همان، ص ۱۹۱.

۳۶. همان، ص ۱۹۵.

از ذکر ۵۷ آیه از قرآن کریم می‌گوید از این آیات برمی‌آید که تفسیر قرآن بدون نص امامان جایز نیست.^{۳۷} همچنین در وسائل الشیعة بابی با عنوان «عدم جواز استنباط احکام نظری از ظواهر قرآن بدون شناخت تفسیر آن از امامان» آورده که مشتمل بر ۸۲ حدیث است.^{۳۸} او حتی استنباط احکام نظری را از ظواهر کلام پیامبر که توسط غیرشیعیان روایت شده باشد نیز بدون وجود تفسیری از امامان جایز نمی‌شمرد و در این باره نیز بابی در وسائل الشیعة آورده است.^{۳۹}

از نظر ایشان تمام آیات قرآن به دلیل احتمال نسخ ممکن است که از متشابهات باشند. بنابراین ضروری است که سخن پیامبر یا امام در کنار آیات لحاظ شود.^{۴۰}

با توجه به این مطالب، روشن است که تفسیر و جیز نمی‌تواند از چنین شخصیتی باشد؛ چرا که کمترین مطالبی که در این تفسیر به آن اعتنا شده، روایات اهل بیت (علیهم السلام) است. تفسیر مورد نظر سرشار از مواردی است که در کلام اهل بیت (علیهم السلام) نیامده است. این موارد اعم از روایات غیرشیعه یا استنباط شخصی نویسنده یا دیگر مفسران است. امری که شیخ حرعاملی هرگز آن را بر نمی‌تافت.

۳. اعتماد به روایات و نقل‌های غیر شیعی

نقل‌ها، اخبار و روایات غیرشیعیان در همه جای تفسیر و جیز به چشم می‌خورد. از بسیاری از آنها نمی‌توان حتی نشانی در مصادر معتبر شیعه یافت.

این تفسیر را می‌توان رونویسی دقیقی از تفسیر مجمع البیان و تفسیر بیضاوی قلمداد کرد. مطابق ارجاعات محقق محترم کتاب، در همین میزان ناقصی که از تفسیر به چاپ رسیده، حدود ۴۵۰ بار از مجمع البیان و اندکی بیش از آن از تفسیر بیضاوی نقل شده است. البته محقق محترم در مقام استقصاء نبوده و موارد اخذ شده از این دو تفسیر بیش از این تعداد است.

تفسیر بیضاوی اثری غیرشیعی و باورمند به اعتقادات دیگر مذاهب است. تفسیر مجمع البیان نیز چنان‌که بر آگاهان مخفی نیست، هرگز تفسیری روایی به شمار نمی‌آید و نظر به انگیزه‌های مختلف زمان تألیف، سرشار از اقوال و روایات غیرشیعی است. شیخ بزرگوار طبرسی حتی در مقدمه کتاب به تفاسیر روایی خرده گرفته است.^{۴۱}

۳۷. همان، ص ۳۲۵.

۳۸. حرعاملی، وسائل الشیعة، ج ۲۷، ص ۱۷۶.

۳۹. همان، ص ۲۰۶.

۴۰. «فتیین انه ما من آیه الا وهي تحتمل أن تكون متشابهة لاحتمال كونها منسوخة ودلالة الروایات علی ان المنسوخات من المتشابهات فلا بد من انضمام قول الرسول أو الإمام علیهما السلام». (حرعاملی، الفوائد الطوسية، ص ۱۷۱)

۴۱. «الآن أصحابنا، رضی الله عنهم، لم يدونوا في ذلك غیر مختصرات، نقلوا فيها ما وصل إليهم في ذلك من الأخبار، ولم يعنوا

می‌دانیم که مجمع البیان عمیقاً متأثر از تبیان شیخ طوسی است و بیش از نیمی از مطالب آن برگرفته از تبیان است. طبرسی خود در مقدمه کتابش به این امر اشاره کرده و تفسیر تبیان را سرمشق خود دانسته است.^{۴۲}

روشن است که تفسیر تبیان نیز تفسیری روایی نیست، بلکه شیخ طوسی خود در مقدمه کتاب آورده که تفسیر شیعه صرفاً روایی بودند. بنابراین او اقدام به نگارش چنین تفسیری کرده که شامل علوم قرآنی مانند قرائت، معانی و اعراب و پاسخ به شبهات باشد.^{۴۳}

مباحث کلامی در تبیان آن قدر برجسته است که بعضی از معاصران، این کتاب را «تفسیری کلامی» قلمداد کرده‌اند.^{۴۴}

اندک آشنایی با تبیان و مجمع البیان کافی است که بدانیم در این دو تفسیر به شکلی منصفانه، آراء و روایات دیگر مذاهب نیز نقل و گاه نقد شده‌اند. این در حالی است که چنین شیوه‌ای فارغ از قضاوت درباره آن، با باورهای شیخ حر عاملی ناسازگار است.

شیخ حر روایت احادیث غیر شیعیان را حتی در مدح اهل بیت نیز روانمی‌دانست^{۴۵} و در مواردی چون کتاب اثبات الهداة نیز که از روایات مخالفان بهره برده، به دقت در این زمینه توضیح داده و توجیحات خود را بیان کرده و نهی معصومین (به باور خودش) را شامل آن موارد نمی‌داند.^{۴۶}

حساسیت شیخ حر به این مطلب آن چنان بوده که حتی شیوه بعضی عالمان امامیه را که در مباحث خود، روایات اهل سنت را پیش از روایات شیعه می‌آوردند نامطلوب دانسته است.^{۴۷}

همچنین در پایان کتاب وسائل الشیعة بیان کرده که او بسیاری از احادیث پیامبر را که در کتب استدلالی موجود است نقل نکرده، از بیم آنکه مبدا از روایات مخالفان و صرفاً از باب احتجاج در منابع شیعه آمده باشد.^{۴۸} همچنین در برخی از آثار دیگر خود نیز حملات شدیدی به کتب عامه و

بسط المعانی و كشف الأسرار». (طبرسی، مجمع البیان، ج ۱، ص ۳۳)

۴۲. «وهو القدوة أستاذی بآثاره» (طبرسی، همان) سید بحر العلوم نیز در این باره فرموده است: «وشیخنا الطبرسی إمام التفسیر فی کتبه الیه یزدلف ومن یجره یغترف، وفی صدر کتبه الکبیر بذلک یعترف». (بحر العلوم، الفوائد الرجالية، ج ۳، ص ۲۸) چنان که آیت الله بروجردی نیز تفسیر تبیان را شالوده مجمع البیان می‌دانستند. (بروجردی، الموسوعة الرجالية، ج ۲، ص ۴)

۴۳. طوسی، التبیان، ج ۱، ص ۲-۱.

۴۴. طباطبایی، قرآن در اسلام، ص ۷۶.

۴۵. «فقد تواترت الأحادیث عن أئمتنا علیهم السلام بالنهی عن روایة أحادیث العامة وان كانت فی مدح أهل البیت (ع) كما روی فی عیون الاخبار وغیره وعن العمل بها بل ورد عنهم الأمر بمخالفتها إذا لم یکن عندنا دلیل یوافقها». (حر عاملی، الفوائد الطوسیة، ص ۳۶۵ و مشابه آن: حر عاملی، تواتر القرآن، ص ۹۴)

۴۶. همان، اثبات الهداة، ج ۱، ص ۴۵، ۴۷، ۵۴ و مشابه همان توجیحات را در أهل الأمل نیز آورده است. (رک به: همان، أهل الأمل، ج ۲، ص ۳۶۹)

۴۷. همان، اثبات الهداة، ج ۱، ص ۴۵.

۴۸. همان، وسائل الشیعة، ج ۳، ص ۵۴.

اخذ از آنها کرده است.^{۴۹}

با این اوصاف، روشن است که تفسیری که نویسنده آن قدم به قدم از تفاسیر اهل سنت اخذ کرده و روایات آنان را آورده است، هرگز نمی تواند به قلم شیخ حرعاملی باشد.

۴. اقوال عامه در تفسیر وجیز

نویسنده تفسیر وجیز عنایت خاصی به اقوال و نظرات بزرگان مخالفان داشته است. در همین میزان اندکی که از تفسیر به چاپ رسیده، بیش از بیست بار اقوال شافعی، بیش از بیست بار اقوال ابوحنیفه، بیش از سی بار نظرات ابن عباس و همچنین به مناسبت های مختلف در تفسیر آیات قرآن از سخنان حسن بصری، قتاده، عکرمه، عروه بن زبیر، عبدالرحمن بن عوف، عمر بن خطاب و فرزندش عبدالله، مالک بن انس، احمد بن حنبل، انس بن مالک و دیگران استفاده شده است. حتی در مواردی، سخن معصوم و غیرمعصوم (که دانشی در تفسیر قرآن نداشته است) را در کنار هم قرار داده است.^{۵۰}

ناگفته پیداست که این روش، سیره و شیوه شیخ حرعاملی نمی تواند باشد. این سخن صریح اوست که «عمل و اعتماد در تفسیر قرآن و هر امر شرعی تنها به کلام و فعل و تقریر معصومین جایز است و احادیث این امر متواترند».^{۵۱}

شیخ حر این روایت معتبر را در برخی از آثارش آورده که امام باقر (علیه السلام) درباره تفسیر قرآن به قتاده فرموده بودند که اگر از جانب خود تفسیر می کنی یا تفسیر قرآن را از نظرات دیگران می گیری، هلاک شده و دیگران را نیز هلاک کرده ای. همانا تنها قرآن را کسی می شناسد که به او خطاب شده است.^{۵۲}

۵. مروری بر آراء فقهی صاحب تفسیر

در برخی از قسمت های تفسیر وجیز مطالبی فقهی به چشم می خورد که بازگوی دیدگاه نویسنده آن است. برخی از این آراء به صراحت با مبانی شیخ حرعاملی ناسازگار و بعضی دیگر نیز خلاف فتاوی فقهی آن بزرگوار است. به هر روی، این موارد نیز نشان می دهد که نویسنده تفسیر شخصی به غیر از شیخ حرعاملی است. به سه نمونه از این موارد اشاره می کنیم.

۴۹. همان، رساله فی حدیث الترجیع، ص ۱۰۵ و ۱۰۶.
۵۰. چنان که در تفسیر آیه ۲۳ سوره نساء اختلافی را از امیر مؤمنان و عثمان در تفسیر قرآن و یک حکم فقهی نقل کرده و سپس می افزاید که قول علی «اظهر» است. (عاملی، التفسیر الوجیز، ص ۳۱۸)

۵۱. «إعلم أن مذهب قدمائنا وجميع الأخباریین أنه لا يجوز العمل والاعتماد في تفسیر القرآن وغيره من الأمور الشرعية إلا على كلام أهل العصمة (عليهم السلام)، وفعالهم وتقریرهم، والأحادیث في ذلك متواترة» (حرعاملی، الإیقاظ من الهیجة، ص ۹۱). شیخ حر در رد کسانی چون ابوحنیفه و ابن عباس نیز نظر صریحی دارد. (بنگرید به: حرعاملی، اثبات الهداة، ج ۱، ص ۳۸-۳۹) هر چند ۳۳ سال قبل از نگارش اثبات الهداة در رساله احوال الصحابة دید مثبتی به ابن عباس داشته است.

۵۲. کلینی، کافی، ج ۸، ص ۳۱۱-۳۱۲؛ حرعاملی، الفصول المهمة، ج ۱، ص ۴۵۲؛ هداية الأمة، ج ۸، ص ۳۸۸.

۵-۱. تقلید و اجتهاد

صاحب تفسیر ذیل آیه: «... أن تقولوا على الله ما لا تعملون» پیروی از مجتهدان را نزد اکثریت عالمان به صورت قطعی واجب می‌شمارد و از ظن مستند به مدرک شرعی سخن می‌گوید.^{۵۳}

همچنین از آیه پس از آن نیز چنین برداشت کرده که کسی که قادر به نظر و اجتهاد است، نباید تقلید کند.^{۵۴}

این نظرات همسو با آرای اصولیان است و مخالفت آن با دیدگاه‌های شیخ حرعاملی نیاز به گفتگو ندارد. شیخ حرعاملی اخباری مسلک بود که با اجتهاد و تقلید به معنای مصطلح آن هرگز موافقت نداشت و در جای جای آثارش سخت به آن تاخته است، چنان‌که بسیاری از عالمان اخباری چنین بوده‌اند، بلکه این مطلب چنان‌که وحید بهبهانی فرموده، ملاک تفاوت اخباریان و اصولیان شمرده شده است.^{۵۵}

شیخ حر در فایده هفتاد و پنجم کتاب ارزشمند الفوائد الطوسیه، پس از ذکر بیش از پنجاه آیه، عدم جواز تقلید را به صورت مطلق از مواردی می‌داند که از آن آیات استفاده شده و احادیث متواتر نیز بر آن دلالت دارند.^{۵۶} او همچنین ادله جواز تقلید را ضعیف شمرده و آیات قرآن را صریح در نکوهش و بلکه منع مطلق آن می‌داند.^{۵۷} و در اثر دیگری نیز احادیث عدم جواز تقلید از غیر معصوم را متواتر دانسته است.^{۵۸}

در جای دیگر نیز تقلید صحیح را پذیرش روایت و نه رأی و اجتهاد و ظن قلمداد کرده^{۵۹} و در کتاب وسائل الشیعة بآبی را با ۳۴ حدیث به عدم جواز تقلید غیر معصوم اختصاص داده است.^{۶۰}

شیخ حر همچنین در کتاب تحریر وسائل الشیعة اجماع امامیه را در عدم جواز عمل به ظن و اجتهاد دانسته^{۶۱} و مطالب بسیاری در مخالفت شدید با اجتهاد نگاشته است.^{۶۲} فایده ۹۲ کتاب الفوائد الطوسیه ایشان نیز به نقد رساله‌ای اختصاص دارد که یکی از معاصران در دفاع از اجتهاد نوشته بود.

۵۳. «إتباع المجتهد لما أذى إليه ظن مستند إلى مدرک شرعی فوجوبه قطعی عند الأكثر». (عاملی، التفسیر الوجیز، ص ۱۰۵)

۵۴. همان، ص ۱۰۶.

۵۵. «قد عرفت أن مناط الفرق بین الاخباری والمجتهد هو نفس الاجتهاد. أي العمل بالظن. فمن اعترف بالعمل به فهو مجتهد، ومن ادعی عدمه، بل کون عمله على العلم والیقین فهو أخباری، ولذا لا يجوز الاخباری تقلید غیر المعصوم علیه السلام وفي الحقیقة هو مانع عن التقلید». (وحید بهبهانی، الفوائد الحائریة، ص ۱۳۱)

۵۶. حر عاملی، الفوائد الطوسیه، ص ۳۲۴.

۵۷. همان، ص ۳۲۶.

۵۸. الفصول المهمة فی اصول الاثمة، ج ۱، ص ۵۲۴.

۵۹. وسائل الشیعة، ج ۲۷، ص ۱۳۲.

۶۰. همان، ص ۱۲۴-۱۳۶.

۶۱. تحریر وسائل الشیعة، ص ۹۴.

۶۲. بنگرید به: تحریر وسائل الشیعة، ص ۸۹-۱۰۲.

۲-۵. اجماع

صاحب تفسیر، آیه: «وَكَذَلِكَ جَعَلْنَاكُمْ أُمَّةً وَسَطًا» (بقره: ۱۴۳) را دلیل بر حجیت اجماع دانسته است،^{۶۳} چنان که درباره آیه: «كُنْتُمْ خَيْرَ أُمَّةٍ أُخْرِجَتْ لِلنَّاسِ...» (آل عمران: ۱۱۰) نیز مشابه همین سخن را تکرار کرده^{۶۴} و آیه: «وَيَتَّبِعْ غَيْرَ سَبِيلِ الْمُؤْمِنِينَ» (نساء: ۱۱۵) را دلیل بر حرمت مخالفت با اجماع قلمداد کرده است،^{۶۵} در حالی که شیخ حر عاملی از مخالفان سرسخت اجماع به معنای مورد نظر متأخران و اصولیان است و حجیت آن را از مخترعات مخالفان امامان می داند.^{۶۶}

او صفحات زیادی از کتاب تحریر وسائل الشیعة را به مخالفت با اجماع اختصاص داده^{۶۷} و جالب توجه است که دقیقاً به همین سه آیه نیز اشاره کرده و ضعف استدلال به آنها را آشکار دانسته است.^{۶۸}

۳-۵. اعتکاف

صاحب تفسیر درباره اعتکاف گفته است:

نظر ما [شیعیان] این است که اعتکاف تنها در مساجد اربعه صحیح است ... و نزد سایر فقیهان (اهل سنت) در دیگر مساجد نیز جایز است.^{۶۹}

این در حالی است که نظر شیخ حر بر خلاف این حصر بوده است. ایشان در کتاب *بداية الهداية* تصریح کرده است که غیر از مساجد اربعه، اعتکاف در مساجد جامع نیز منعقد می شود.^{۷۰}

همچنین در کتاب *هدایة الأئمة* روایات مختلفی را درباره انعقاد اعتکاف در مساجد جامع آورده و حصر مربوط به مساجدی که پیامبر یا وصی در آن نماز خوانده را حمل بر افضلیت کرده است، چنان که در توضیح روایت مربوط به اعتکاف در مسجد جمعی که امام عدل در آن نماز خوانده باشد، تعبیر «امام عدل» را اعم از معصوم قلمداد می کند.^{۷۱}

۶. دیدگاه ها و عقاید نادرست صاحب تفسیر

صاحب تفسیر در موارد مختلفی آراء و عقاید نادرستی را بیان کرده که برخی از آنها بدون تردید انحراف است. به نمونه هایی از این امر اشاره می شود.

۶۳. عاملی، التفسیر الوجیز، ص ۸۶.

۶۴. همان، ص ۲۷۲.

۶۵. همان، ص ۳۵۷.

۶۶. «أن حجیة الإجماع من مخترعات العامة المخالفین للأئمة». (حرعاملی، تحریر وسائل الشیعة، ص ۱۱۷)

۶۷. همان، ص ۱۱۵-۱۲۶.

۶۸. همان، ص ۱۱۸.

۶۹. التفسیر الوجیز، ص ۱۲۷.

۷۰. حرعاملی، *بداية الهداية*، ج ۱، ص ۲۴۴.

۷۱. همان، *هدایة الأئمة إلى أحكام الأئمة*، ج ۴، ص ۲۹۹.

۶-۱. تفسیری ناروا از واقعه کربلا

در ذیل آیه: «وَلَا تُقْلُوا بِأَيْدِيكُمْ إِلَى التَّهْلُكَةِ» (بقره: ۱۹۵) در پاسخ به اینکه چرا امام حسین (علیه السلام) به تنهایی نبرد کرد گفته است:

جواب این است که او گمان می کرد که به خاطر نسبتش با رسول خدا آنان او را نمی کشند.^{۷۲}

این ادعا به طور قطع باطل است. شهادت آن حضرت بارها از جانب خودشان، رسول خدا و امیر مؤمنان بیان شده بود و امام حسین هیچ تردیدی در این امر نداشت.

۶-۲. درباره حضرت ابوطالب (علیه السلام)

صاحب تفسیر ذیل آیه ۲۶ سوره انعام که درباره کافران است، حضرت ابوطالب را مثال زده و ادعا کرده است که آن بزرگوار در ابتدا به رسول خدا ایمان نیاورده بود.^{۷۳} این ادعا خلاف اجماع شیعیان و روایات متواتر و بدون تردید باطل است.

۶-۳. تفسیر برخی آیات قرآنی به غاصبان حقوق اهل بیت

صاحب تفسیر شأن نزول برخی از آیات قرآن را در تصدیق غاصبان حقوق اهل بیت قلمداد کرده که آشکارا نظری برگرفته از مفسران اهل سنت است. از جمله می توان به نظر ایشان ذیل آیه ۱۸۱ سوره آل عمران اشاره کرد،^{۷۴} در حالی که آیه مورد نظر هرگز در تصدیق آن فرد نبوده و این تنها ادعایی از بعضی مفسران اهل سنت است.^{۷۵} حتی در تفسیر مجمع البیان که نویسنده التفسیر الوجیز بسیاری از مطالب خود را عیناً از آنجا گرفته است نیز سخنی از این تصدیق وجود ندارد.^{۷۶} گذشته از این، اصل روایت نیز نقلی از عکرمه و امثال اوست.

این گونه تفاسیر ضد شیعی محدود به این مورد نمی شود، بلکه در موارد دیگری نیز تکرار شده است.^{۷۷}

۶-۴. داستانی جعلی درباره امیر مؤمنان (علیه السلام)

نویسنده تفسیر، آیه: «إِنَّ اللَّهَ بِأُمْرِكُمْ أَنْ تُوَدُّوا الْأَمَانَاتِ إِلَىٰ أَهْلِهَا» (نساء: ۵۸) را درباره عثمان بن طلحه دانسته و چنین آورده است که رسول خدا به امیر مؤمنان (علیه السلام) دستور داد تا از عثمان بن

۷۲. همان، التفسیر الوجیز، ص ۱۳۳.

۷۳. «ینھون عن التعرض لرسول الله و ینأون عنه فلا یؤمنون به فی أول الأمر، کأبی طالب والعباس و غیرهما من بنی هاشم». (همان، ص ۴۰۴)

۷۴. همان، ص ۲۹۹.

۷۵. مانند طبری، ابن ابی حاتم رازی، ثعلبی، واحدی نیشابوری، بغوی، ابن حجر.

۷۶. طبرسی، مجمع البیان، ج ۲، ص ۴۶۰.

۷۷. برای مثال بنگرید به: تفسیر دو آیه ۱۴ و ۲۶۲ سوره بقره. (عاملی، التفسیر الوجیز، صص ۲۷ و ۲۰۷)

طلحه عذرخواهی کند،^{۷۸} در حالی که اولاً مطابق روایات متواتر، این آیه در شأن اهل بیت (علیهم السلام) وارد شده است.^{۷۹} ثانیاً داستان جعلی عذرخواهی امیر مؤمنان که تنها توسط بعضی مفسران اهل سنت چون فخر رازی، واحدی نیشابوری، بیضاوی و... آورده شده، از آن رو ساخته و پرداخته شده است که پدر و عموهای عثمان بن طلحه پرچمدار مشرکان در جنگ احد بودند و توسط مسلمانان کشته شدند. پدر او و بعضی از عموهایش را شخص امیر مؤمنان (علیه السلام) به هلاکت رساند. گفتنی است که مطابق روایات شیعه و سنی، آیه: «إِنَّ شَرَّ الدَّوَابِّ عِنْدَ اللَّهِ الضَّمُّ الَّذِينَ لَا يَغْلِبُونَ» (انفال: ۲۲) در شأن خاندان عثمان بن طلحه نازل شده بود.^{۸۰}

خلاصه اینکه داستان بی اعتباری که نویسندۀ تفسیر آورده، سرشار از اشکالات و تناقضات فراوان است^{۸۱} و هیچ مناسبتی با باورهای فردی چون شیخ حر عاملی ندارد.

۵-۶. تفسیر ناصواب اولوالأمر

صاحب تفسیر ذیل آیه ۸۳ سوره نساء اولی الامر را بزرگان صحابه و امیران می داند!^{۸۲}

برای اثبات نادرستی این تفسیر نیازی به بحث نیست؛ چراکه مطابق روایات متواتر شیعه، مقصود از اولوالأمر معصومین هستند و این مفهوم شامل دیگران نمی شود. شیخ حر عاملی در وسائل الشیعة بسیاری از این روایات صریح را آورده^{۸۳} و در جای دیگر نیز تصریح کرده است که «نصوص در اینکه مقصود از اولی الامر امامان هستند، بسیار است و تردیدی در آن وجود ندارد».^{۸۴}

۶-۶. توجه به صوفیان

صاحب تفسیر بارها به آرای حسن بصری اشاره کرده و در یک مورد نیز در تفسیر آیه ۱۸۶ سوره بقره حکایتی را از ابراهیم ادهم آورده است.^{۸۵} این در حالی است که مخالفت سرسخت شیخ حر عاملی با تصوف و سردمداران آن بر کسی پوشیده نیست. شیخ حر صراحتاً حسن بصری را ملحد می دانست^{۸۶} و انحراف او از اهل بیت و روی گردانی اش از آنان را آشکار شمرده است.^{۸۷} همچنین پس از ذکر روایات

۷۸. همان، ص ۳۳۴.

۷۹. برای مثال رک به: مجلسی، بحار الانوار، ج ۲۳، ص ۲۷۳-۲۸۳، باب ان الأمانة فی القرآن الإمامة.

۸۰. طوسی، التبیان فی تفسیر القرآن، ج ۵، ص ۹۹؛ طبری، جامع البیان، ج ۹، ص ۲۷۹.

۸۱. مرحوم سید جعفر مرتضی عاملی درباره این داستان به تفصیل بحث کرده است. (رک به: عاملی، الصحیح من سیرة الامام علی، ج ۵، ص ۲۸۱-۳۱۳)

۸۲. عاملی، التفسیر الوجیز، ص ۳۴۳.

۸۳. بنگرید به: حر عاملی، وسائل الشیعة، ج ۲۷، صص ۶۱، ۶۷، ۷۴، ۷۷، ۱۳۰، ۱۷۱، ۱۹۱، ۱۹۴، ۱۹۵، ۲۰۰.

۸۴. همان، الفوائد الطوسیه، ص ۱۷۳.

۸۵. عاملی، التفسیر الوجیز، ص ۱۲۴. ابراهیم ادهم از مهم ترین نمایندگان جریان تصوف است. بسیاری از مفاهیم رایج در تصوف و اصول و مبانی آن را می توان در روایات او جستجو کرد.

۸۶. همان، الاثناعشریه، ص ۱۵.

۸۷. همان، ص ۱۷۱.

بسیار در نکوهش او، راه و روش حسن را مخالف شیعه و امامان قلمداد کرده است.^{۸۸}

شیخ حر کتاب مستقلى در رد تصوف دارد: الإثناعشرية في الرد على الصوفية و از هر فرصتی برای نفی مطلق این جریان بهره برده است، چنان که بر این باور است که مخالفت صوفیان با شیعه و دشمنی شان با عالمان امامی مذهب نیازی به دلیل ندارد و امامان ما، پیشوایان و بزرگان آنان را لعن کرده اند.^{۸۹}

همچنین اعتقاد دارد که هیچ کس از شیعیان هرگز صوفی نبوده است و در کتب شیعه و کلام امامان به جز نکوهش، یادی از صوفیان نمی توان یافت.^{۹۰}

سخن کوتاه، چنان ارجاعات و مطالبی هرگز نمی تواند از فردی مانند شیخ حر باشد.

۶-۷. اباحه خمر در ابتدای اسلام

صاحب تفسیر ذیل آیه ۴۳ سوره نساء روایتی غیر شیعی را در مباح بودن شرب خمر در ابتدای اسلام آورده است،^{۹۱} حال آنکه مطابق روایات معصومین که خود شیخ حر نیز آورده است، خمر همواره حرام بوده و خداوند تمام پیامبران را با حکم تحریم خمر برانگیخته است.^{۹۲}

این امر حتی شاهد قرآنی نیز دارد؛ آیه ای که سخن از گناه بزرگ شرب خمر می گوید (بقره: ۲۱۹) اولین آیه ای است که درباره تحریم خمر نازل شده^{۹۳} و نزول آن پیش از آیه مورد بحث بوده است. جالب است که صاحب تفسیر، خود در تفسیر همین آیه آورده است که اگر مفسده کاری بیش از مصلحت آن باشد، موجب حرام بودنش خواهد شد^{۹۴} و این در تناقض با تفسیری است که درباره اباحه خمر ذکر کرده است.

۷. تفاسیری متفاوت با نصوص معصومین

پیش از این یاد آور شدیم که شیخ حر عاملی محدثی نص گرا بود و تفسیر و تأویل آیات قرآن را بدون نصوص معصومین روا نمی شمرد. در تفسیر وجیز، آیات پرشماری بر خلاف تفسیر و تأویلی که در روایات معتبر آمده تفسیر شده است. فارغ از هر نقدی که می تواند به تعبد خاص شیخ حر به احادیث

۸۸. همان، ص ۱۷۴.

۸۹. حرعاملی، رساله فی تأویل حدیث التریح، ص ۱۱۹.

۹۰. همان، الإثناعشرية، ص ۱۳.

۹۱. عاملی، التفسیر الوجیز، ص ۳۲۹.

۹۲. حرعاملی، وسائل الشیعة، ج ۲۵، ص ۲۹۶ و ۳۰۰. قطب الدین راوندی نیز هنگامی که روایت مورد بحث را نقل می کند، تصریح کرده است که این روایت صحیح نیست؛ چراکه خمر در همه آیین ها حرام بوده است. (راوندی، فقه القرآن، ج ۱، ص ۷۳)

۹۳. کلینی، کافی، ج ۶، ص ۴۰۶؛ حرعاملی، وسائل الشیعة، ج ۲۵، ص ۳۰۱-۳۰۲.

۹۴. عاملی، التفسیر الوجیز، ص ۱۵۷.

و عدم گذار او از نصوص در تفسیر قرآن وارد باشد، این امر انکارناپذیر است که تفاسیر ارائه شده، بر خلاف شیوه و دیدگاه شیخ حرعاملی است. شمار این موارد در تفسیر و جیز بسیار زیاد است.^{۹۵}

خاتمه

اکنون و در پایان این نوشتار به پاسخ به دو مطلبی می‌پردازیم که در دفاع از انتساب تفسیر به شیخ حرعاملی و نقد مقاله آیت الله استادی مطرح شده است.^{۹۶}

نخست آنکه به عنوان پاسخی نقض بر عدم یادکرد از کتاب تفسیر در آثار شیخ حر، گفته شده است که صاحب وسائل نام کتاب منتخب الخصال خود را نیز در نوشته‌هایش نیاورده است. حقیقت این است که شیخ حرعاملی کتابی با عنوان منتخب الخصال ندارد. اینکه در پایان یک نسخه خطی به خط شیخ، آن بزرگوار چند برگ مختصر را به ذکر روایاتی از کتاب خصال اختصاص داده است، به معنای وجود اثری مستقل برای ایشان نخواهد بود، به ویژه آنکه خود نیز نام چنین اثری را نیاورده باشد. از دیگر سو مقایسه بین چند برگ و کتابی مفصل با موضوع تفسیر که حجم همان میزان ناقص منتشر شده از آن، حدود بیست برابر آن منتخب است، کم‌لطفی و مع‌الفارق است.

دوم آنکه در پاسخ به تفاوت شیوه تفسیری صاحب تفسیر و جیز و مبانی شیخ حرعاملی گفته شده است که در رساله خلق الکافر نیز به همین صورت است و اگر کسی نداند گمان می‌کند یک متکلم خبره نویسنده اثر است.

منشأ اشتباه این ناقدان، ناآشنایی با روش کلامی شیخ حرعاملی است. در واقع تفسیر و جیز با مبانی تفسیری شیخ حر کاملاً ناسازگار است، اما رساله خلق الکافر هیچ تضادی با مبانی کلامی شیخ حر ندارد، بلکه کاملاً با آن همسو است و نویسنده در آن رساله نیز دقیقاً به مشی اخباری خود وفادار بوده است.

توضیح آنکه شیخ حرعاملی علم کلام رایج را از اهل بیت نمی‌دانست و اکثر دلایل آن را ظنی و بلکه مخالف آیات و روایات قلمداد می‌کرد^{۹۷} و آن را از علومی می‌دانست که به استثنای قسمت برگرفته شده‌اش از سخنان اهل بیت، باقی آن مورد نهی است.^{۹۸}

۹۵. برای مثال بنگرید به: نظرات صاحب تفسیر درباره الراسخون فی العلم، آیه «ذریة بعضها من بعض»، آیه آخر سوره آل عمران تفسیر غیب در ابتدای سوره بقره و موارد بسیار دیگر که مغایر با نصوص روایات معتبری است که شیخ حرعاملی نیز بسیاری از آنها را آورده است.

۹۶. این دو مطلب توسط بعضی از اهل فضل در فضای مجازی منتشر شده است و امکان ارجاع کتاب شناختی به آن وجود ندارد، اما نظر به اینکه مناسب است مطلب ناگفته‌ای باقی نماند، ذکر و پاسخ به آنها بی‌فایده نخواهد بود.

۹۷. حرعاملی، اثبات الهداة، ج ۱، ص ۸۷؛ وسائل الشیعة، ج ۱۷، ص ۳۲۸.

۹۸. همان، هدایة الأمة، ج ۶، ص ۹۲.

شیخ حر ادله عقلی را که موافق با ادله نقلی از کتاب و سنت و مؤید آن باشد، می پذیرفت و استدلالات عقلی معصومان را نیز مطابق همین روش می دانست.^{۹۹} این دلایل که به تعبیر او عقلی - نقلی است، موجب بی نیازی از دلایل واهی برگرفته از فلاسفه، ملحدان و اهل سنت و مانند آنان است.^{۱۰۰}

او همچنین تصریح دارد که علم کلام صحیح آن چیزی است که لفظ و معنایش از اهل بیت رسیده باشد و این امر با کلام رایج زمان ما متفاوت است.^{۱۰۱}

در رساله خلق الکافر نیز شیخ حر دقیقاً به همین روش پایبند بوده است. او در این اثر مختصر در هر موضوع حداقل دوازده حدیث آورده که مفید تواتر است. این رساله آکنده از نصوص روایات اهل بیت بوده و بیش از صد روایت در آن آمده است و اکثر فصل های آن به بحث هایی روایی اختصاص دارد. حتی پس از فصل یکم که شیخ حر در آن بیشتر به مباحث کلامی می پردازد، فوراً فصل دیگری آورده و در دوازده قسم اخباری را در تأیید فصل اول ذکر می کند.

خلاصه کلام آنکه محتوای تفسیر وجیز هرگز نمی تواند از شخصی چون شیخ حر عاملی باشد. این تفسیر بدون تردید مربوط به برادر ایشان است و تصریحاتی که در بخش اول این مقاله آوردیم، نشان روشنی از این انتساب است. همچنین به نظر نگارنده، نام واقعی این تفسیر عیون المعانی فی تفسیر الوحي الرباني بوده و نسخه ناقص کتابخانه مجلس به خط شیخ احمد، بخش دیگری از همان کتابی است که پیش از این قسمتی از آن با عنوان التفسیر الوجیز به چاپ رسیده است.

کتابنامه

- استادی، رضا؛ فهرست نسخه های خطی کتابخانه مدرسه مروی تهران؛ کتابخانه مدرسه مروی، تهران، ۱۳۷۱.
- _____؛ «تفسیر قرآن مجید تألیف برادر صاحب وسائل الشیعة احمد بن الحسن الحر»؛ آینه پژوهش؛ مهر و آبان ۱۳۸۹، شماره ۱۲۴، ص ۱۶-۲۰.
- امین، سیدمحسن؛ اعیان الشیعة؛ تحقیق حسن امین؛ دارالتعارف للمطبوعات، بیروت.
- بحرالعلوم، سیدمهدی؛ الفوائد الرجالیة؛ تحقیق محمدصادق بحرالعلوم و حسین بحرالعلوم؛ مکتبه الصادق، تهران، چاپ اول، ۱۳۶۳.
- بروجردی، حسین؛ الموسوعة الرجالیة (ترتیب أسانید کتاب التهذیب)؛ تحریر شیخ حسن نوری همدانی؛ آستان قدس رضوی، ۱۴۱۴.
- حرعاملی، محمد بن الحسن؛ اثبات الهداة بالنصوص والمعجزات؛ مؤسسة الأعلمی للمطبوعات، بیروت، چاپ اول، ۱۴۲۵.
- _____؛ الاثناعشریة؛ تحقیق سیدمهدی لازوردی و شیخ محمد درودی؛ دارالکتب العلمیة، قم.
- _____؛ اهل الامل؛ تحقیق سیداحمد حسینی؛ مکتبه الأندلس، بغداد.
- _____؛ الإیقاظ من الهجعة بالبرهان علی الرجعة؛ تحقیق مشتاق المظفر؛ نشر دلیل ما، قم، چاپ اول، ۱۴۲۲.

۹۹. اثبات الهداة، ج ۱، ص ۸۳.

۱۰۰. همان، ص ۸۴.

۱۰۱. الفوائد الطوسیة، ص ۵۵۰.

- _____؛ بداية الهداية؛ تحقيق محمد علي انصاري؛ مؤسسة آل البيت، قم.
- _____؛ تحرير وسائل الشيعة و تحرير مسائل الشريعة؛ تحقيق محمد بن محمد حسين قائني؛ نشر نسايع، چاپ اول، ۱۴۲۲.
- _____؛ تواتر القرآن؛ تحقيق سيد محمد هادي گرامی؛ دارالکتب الاسلاميه، تهران، چاپ اول، ۱۴۲۶.
- _____؛ رسالة في حديث الترجيع؛ تحقيق و تصحيح هادي رستگار مقدم جويباري؛ مركز المصطفى العالمي للترجمة والنشر، چاپ اول، ۱۴۳۷.
- _____؛ الفصول المهمة في أصول الأئمة؛ تحقيق محمد بن محمد حسين قائني؛ مؤسسه معارف اسلامي امام رضا(ع)؛ چاپ اول، ۱۴۱۸.
- _____؛ الفوائد الطوسية؛ تحقيق سيد مهدي لازوردی و شيخ محمد درودی؛ قم، ۱۴۰۳.
- _____؛ وسائل الشيعة إلى تحصيل مسائل الشريعة؛ تحقيق مؤسسة آل البيت لإحياء التراث؛ نشر مؤسسة آل البيت، قم، چاپ دوم، ۱۴۱۴.
- _____؛ هداية الأمة إلى أحكام الأئمة؛ مجمع البحوث الاسلاميه، مشهد، چاپ اول، ۱۴۱۲.
- _____؛ حسيني، سيد احمد؛ تراجم الرجال؛ كتابخانه آيت الله مرعشي نجفي، قم، ۱۴۱۴.
- _____؛ درايبي، مصطفي؛ فهرستواره دست نوشت های ايران (دنا)؛ كتابخانه موزه و مركز اسناد مجلس شورای اسلامي، چاپ اول، ۱۳۸۹.
- _____؛ راوندی، سعيد بن هبة الله؛ فقه القرآن؛ تحقيق سيد احمد حسيني؛ كتابخانه آيت الله مرعشي نجفي، چاپ دوم، ۱۴۰۵.
- _____؛ صدر، سيد حسن؛ تکملة اهل الامل؛ تحقيق سيد احمد حسيني؛ كتابخانه آيت الله مرعشي نجفي، قم، ۱۴۰۶.
- _____؛ طباطبائي، محمد حسين؛ قرآن در اسلام؛ به کوشش سيد هادي خسرو شاهي؛ مؤسسه بوستان کتاب، قم، چاپ سوم، ۱۳۸۸.
- _____؛ طبرسي، فضل بن الحسن؛ مجمع البيان في تفسير القرآن؛ مؤسسة الأعلمي للمطبوعات، بيروت، چاپ اول، ۱۴۱۵.
- _____؛ طوسي، محمد بن الحسن؛ التبيان في تفسير القرآن؛ تحقيق احمد حبيب قصير العاملي؛ مكتب الاعلام الاسلامي، چاپ اول، ۱۴۰۹.
- _____؛ طهراني، محمد محسن؛ الذريعة إلى تصانيف الشيعة؛ دارالأضواء، بيروت.
- _____؛ طيار مراغي، محمود؛ فهرست نسخه های خطي كتابخانه مجلس شورای اسلامي؛ جلد ۱/۳۳، نشر كتابخانه موزه و مركز اسناد مجلس شورای اسلامي، تهران، چاپ اول، زمستان ۱۳۸۸.
- _____؛ عاملي، احمد بن الحسن؛ التفسير الوجيز؛ تحقيق محمد كاظم محمودي؛ مندرج در جلد ششم تراث الشيعة القرآني، كتابخانه تخصصي تفسير و علوم قرآني، قم، چاپ اول، ۱۴۳۵.
- _____؛ الدرالمسلوك في أحوال الأنبياء والأوصياء والملوك؛ مؤسسة التاريخ العربي، بيروت، چاپ اول، ۱۴۳۰.
- _____؛ عاملي، سيد جعفر مرتضی؛ الصحيح من سيرة الإمام علي عليه السلام؛ دفتر تبليغات اسلامي، چاپ اول، ۱۴۳۰.
- _____؛ قمي، عباس؛ الفوائد الرضوية في أحوال علماء المذهب الجعفرية؛ بوستان كتاب، قم، چاپ اول، ۱۳۸۵.
- _____؛ كليني، محمد بن يعقوب؛ الكافي؛ تحقيق؛ علي اكبر غفاري؛ دارالکتب الاسلاميه، تهران، چاپ پنجم، ۱۳۶۳.
- _____؛ مجلسي، محمد باقر؛ بحار الأنوار الجامعة لدرر أخبار الأئمة الأطهار؛ بيروت، مؤسسة الوفاء، چاپ دوم، ۱۴۰۳.
- _____؛ مديرشانه جي، كاظم؛ علم الحديث؛ دفتر انتشارات اسلامي، قم، چاپ نوزدهم، بهار ۱۳۸۵.
- _____؛ منزوي، علي نقی؛ فهرست كتابخانه اهدايي آقای سيد محمد مشكوة به كتابخانه دانشگاه تهران؛ انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۳۲.
- _____؛ وحيد بهبهاني، محمد باقر؛ الفوائد الحائرية؛ مجمع الفكر الاسلامي، قم، چاپ اول، ۱۴۱۵.

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ وَبِاسْتِغْنَاءِ

کتابخانه
مجلس شورای ملی
۱۳۳۲

الحمد لله شريف اصناف الفطر ومحبي الارض واول المطر الغالب على ما بطن وظهر العالم
بما بقي ودر الحمد حمد من ولي جنيلا فذكر وانزهه عن قول من محمد به وكفر
واشهد ان لا اله الا الله وحده لا شريك له لعالم بقدره ومكلفه فقهه وعصمته فغفر و
جوهره بالقياس فستر واشهد ان محمد عبده ورسوله سيد الخلق والبشر صلى الله عليه وعلى
اصحابه الطيبين الطاهرين ما انفصلت عين ينظر وسمعت اذن يخبر فقد كتب للمسلوك
في اخبار الانبياء والاوصياء والخلفاء والملوك اصحاب الفضل والصبر والبطش والا امامه
من مبدل الدنيا الي يوم القيامة الفقه بعد ان طال الغن من كتب الاحاديث والتفسير والتاريخ
عده عديده في مدة مديد وجمعت منها عدة مجاميع التقطت فيها حكما لطيفا كان
الربيع ثم جمعت كتابا جامعاً على طريقة المحدثين وسميته ووض المناظر في علم الامم
والاخرين ذكرت في الاحاديث باسانيها ومن اين ما خذها والا قول بعبارتها على ايديها
ومن احديثها ثم بعد ذلك من اسه على بقران علي القطع الكبير اشرفها وكتبت على ايديها
لحسن المعاني من التفسير اخذت من الروايات اشرفها واعلاها ومن الاقوال انبها
ولجلها فتم بجدارة المطلوب بتفسير وجيز لكتاب العزيز ثم بعد الفراغ من جميع ذلك
الفت هذا الكتاب وكرت في احسن ما هنالك ووضعت على طريقة المورخين ادرجت فيه

الربيع الرابع من كتاب عيون المعاني
في تفسير الوحي الرباني تاليف عبد
ربه العلي احمد بن الحسن المحرر
العامل لنفسه ولولده
ولمن اقتدى به
من بعده

الامامان هذان تصديقاً بالعلم والادب واللسان والعدل
ارسلوا منقولاً وعمل منقولاً وعرفاناً بالاعتقاد والربيع